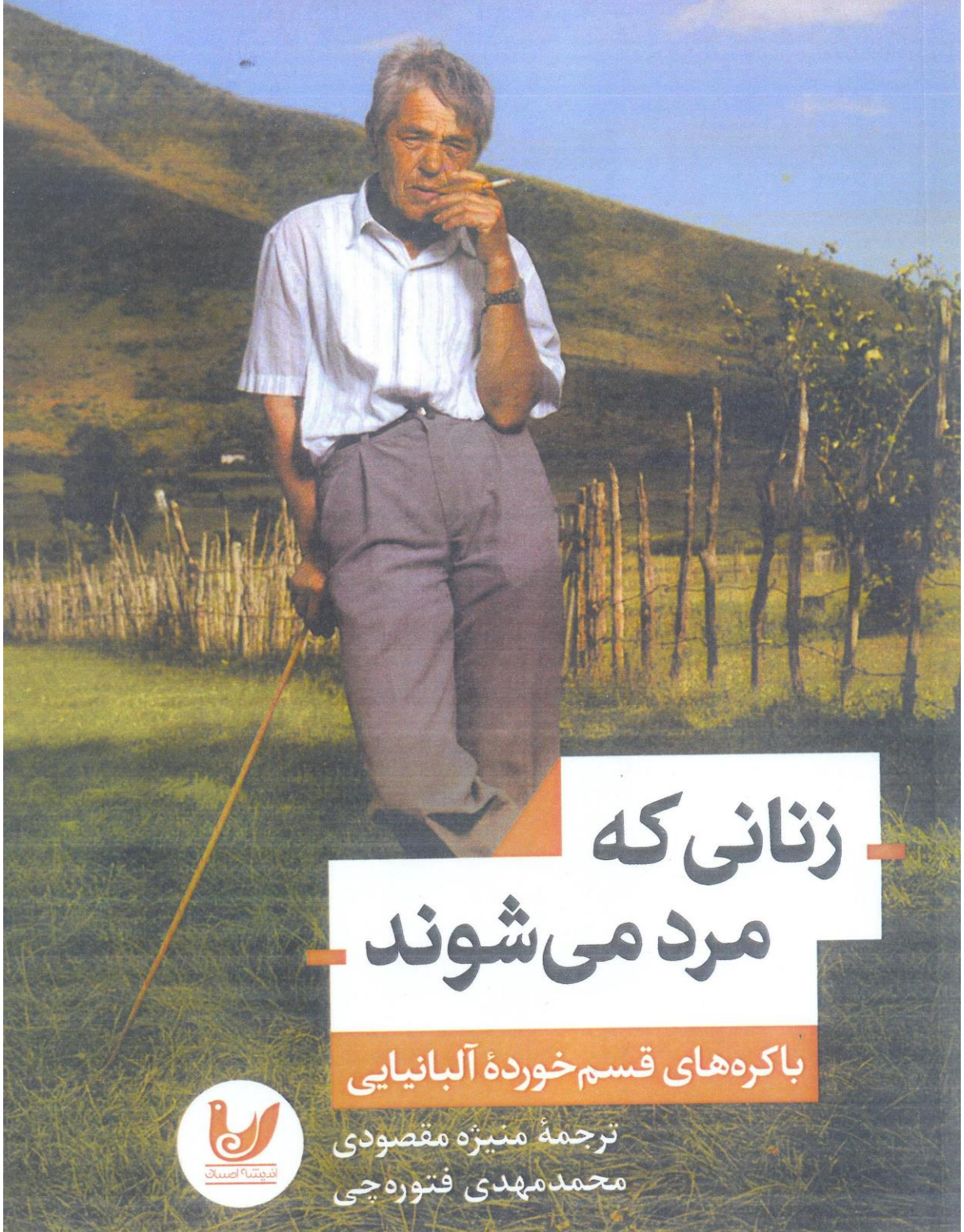


آنتونیا یونگ



# زنانی که مرد می شوند

باکره‌های قسم خورده آلبانیایی



ترجمه منیره مقصودی  
محمد مهدی فنوره‌چی

کتاب "زنانی که مرد می‌شوند - باکره‌های قسم خورده آلبانیایی"، نوشته خانم آنتونیا یونگ در سال ۲۰۰۰ منتشر شده و هنوز به‌عنوان پدیده‌ای عجیب از آن یاد می‌شود. این پدیده به صورت قانونی عرفی نزد آلبانیایی‌ها شهرت دارد و در قرن ۲۱ نیز به‌عنوان یکی از قوانین عرفی اجرا می‌شده است.

در چنین کشوری با ویژگی‌های پدرسالاری، پدرتباری و پدرمکانی، مبنای عرفی وجود دارد که طبق آن هر خانواده‌ای باید سرپرست مرد داشته باشد؛ در غیر این صورت، پس از فوت پدر تمام اموال و دارایی خانواده به برادر پدر می‌رسد. بدین ترتیب، از قرن‌ها پیش تاکنون، آلبانیایی‌ها تدبیری به‌کار برده‌اند که ثروت در خانواده فاقد پسر باقی بماند. به این صورت که یکی از دختران خانواده طبق تصمیم پدر مرد می‌شود. در یک روز تمام اهالی در روستا جمع می‌شوند و پدر خانواده ابتدا نام دخترش را تغییر می‌دهد و نامی مذکر برای او می‌گذارند. موهای او را همچون مردان کوتاه و جامه‌ای مردانه بر تن او می‌کنند و از آن روز به بعد او در کنار مردان به زندگی مردانه می‌پردازد. در تمام مراسم در کنار مردان قرار می‌گیرد و جلوی جمع قسم یاد می‌کند که برای همیشه باکره بماند.

این کتاب شرح حال دخترانی است که مرد شده‌اند. آنها جهان را چگونه می‌بینند؟ و درکشان از مرد بودن چیست؟ و چگونه با ویژگی‌های کاملاً طبیعی که طبیعت در نهاد آنها گذاشته و بر اساس فرهنگ و عرف از آن محروم شده‌اند زندگی می‌کنند و با آن کنار می‌آیند؟



ISBN 978-622-6719-39-1  
9 786226 719391

سرشناسه	پانگ، آنتونیا-Young, Antonia :
عنوان و نام پدیدآور	زنانی که مرد می‌شوند: «باکره‌های قسم‌خورده آلبانیایی» / تالیف آنتونیا یونگ؛ ترجمه منیژه مقصودی، محمدمهدی فتوره‌چی تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۸.
مشخصات نشر	۳۶۲ ص.
مشخصات ظاهری	شابک
وضعیت فهرست نویسی	۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۹-۳۹-۱
یادداشت	فیبا
عنوان دیگر	عنوان اصلی: Women who become men : Albanian sworn virgins, 2000.
موضوع	باکره‌های قسم‌خورده آلبانیایی.
موضوع	میدل پوشی جنسی - آلبانی - Transvestism -- Albania
موضوع	زنان -- آلبانی -- وضع اجتماعی
موضوع	Women -- Albania -- Social conditions
موضوع	نقش جنسیت -- آلبانی - Sex role-- Albania
موضوع	آلبانی -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
موضوع	Albania--Social life and customs
شناسه افزوده	فتوره‌چی، محمد، ۱۳۴۴ - مترجم
شناسه افزوده	مقصودی، منیژه، ۱۳۳۱ - مترجم
رده بندی کنگره	۹۵/۷۷HQ
رده بندی دیویی	۳۰۶/۷۷
شماره کتابشناسی ملی	۵۷۵۵۲۸۵



زنانی که مرد می‌شوند: باکره‌های قسم‌خورده آلبانیایی

مؤلف: آنتونیا یونگ	ترجمه منیژه مقصودی، محمدمهدی فتوره‌چی
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸ شمارگان: ۵۰۰	قیمت: ۶۱۰۰۰ تومان
طراح و گرافیک: پرویز بیانی	چاپ: هوران
آماده‌سازی و تولید: انتشارات اندیشه احسان	
تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.	

دفتر نشر: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، ط ۲، واحد ۵۰۷  
 تلفن: ۰۲-۶۶۴۶۶۰۰۲- تلگرام: ۰۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲- سایت: [www.andishehehsan.com](http://www.andishehehsan.com)  
 فروشگاه: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۷

تلفن: ۰۱-۶۶۴۶۶۰۰۱ - sociologybookstore  andishe\_ehsan 

## فهرست

- مقدمه‌ای درباره نسخه فارسی کتاب زنانی که مرد می‌شوند (باکره‌های  
قسم خورده آلبانیایی) ..... ۱۵
- مقدمه چاپ دوم: آنتونیا یونگ ..... ۲۱
- چهره در حال تغییر تیرانا ..... ۲۱
- مقدمه چاپ دوم: منیژه مقصودی ..... ۲۷
- مقدمه مترجمان ..... ۲۹
- موقعیت جغرافیایی و تاریخی کشور آلبانی ..... ۳۰
- تاریخ معاصر ..... ۳۱
- شرح و تفصیل کتاب ..... ۳۳
- نقد و تحلیل ..... ۴۳
- «کنون» ..... ۵۰
- کنون ..... ۶۱
- کوزوو: تاریخچه مختصر ..... ۶۲
- مهاجرت‌های آلبانیایی‌های کوزوو ..... ۶۳

۶۵	قوانین عرفی: کَنون لکه دوکاگجینی
۶۹	خانواده
۷۰	ازدواج
۷۵	پیشگفتار
۹۱	فصل اول - مقدمه
۹۱	مردم آلبانی
۹۲	خلاصه‌ای از پیشینه تاریخی
۹۴	دوران جنگ و بعد از آن
۹۵	زندگی پس از دوران کمونیستی
۹۷	محورهای این مطالعه
۱۰۱	برداشت‌های نادرست فرهنگی
۱۰۵	یافتن «باکره‌های قسم خورده»
۱۱۱	فصل دوم - شجره خونی، شجره شیری (۱)
۱۱۱	پدرسالاری و مردم‌حوری در مناطق روستایی آلبانی
۱۱۲	طایفه، خاندان و خویشاوندی
۱۱۳	سلسله‌مراتب
۱۱۷	سرپرست خانوار
۱۲۱	مالکیت و وراثت
۱۲۴	شیربها: موقعیت زن
۱۲۷	نامزدی: ازدواج از پیش مقرر شده
۱۳۵	پس از روز عروسی
۱۴۲	فوت شوهر
۱۴۳	تقسیم کار
۱۵۳	فصل سوم - «کَنون» قوانین آبروداری و مهمان‌نوازی
۱۵۳	«کَنون» قوانین آبروداری و مهمان‌نوازی
۱۵۳	«کَنون»
۱۵۵	قدرت بسا

۱۵۵.....	قدرت عهد و پیمان الزام‌آور.....	۶
۱۵۶.....	شکستن عهد و پیمان.....	۶
۱۵۷.....	اجاق: قلب خانوار.....	۷
۱۶۳.....	مهمان.....	۱
۱۶۷.....	«خانواده‌هایی که به دنبال خون‌خواهی هستند».....	۱
۱۶۹.....	وساطت و آشتی‌کنان.....	۵
<b>فصل چهارم - «باکره‌های قسم‌خورده» چه کسانی هستند؟</b>		
۱۷۵.....	باکره‌های قسم‌خورده چه کسانی هستند؟.....	۴
۱۷۵.....	منشأ و اصلیت «باکره‌های قسم‌خورده».....	۴
۱۷۷.....	تحقیقات انجام‌شده در دوره کمونیزم.....	۴
۱۷۸.....	تغییر جنسیت در آلبانی.....	۴
۱۸۰.....	مسئله هم‌جنس‌گرایی.....	۴
۱۸۴.....	سه نوع «باکره‌قسم‌خورده».....	۴
۱۹۰.....	برخی استثنائات.....	۴
۱۹۱.....	فیلم و داستان.....	۴
۱۹۵.....	«باکره‌های قسم‌خورده» امروزی.....	۴
<b>فصل پنجم - زندگی همچون مردان</b>		
۲۰۱.....	زندگی همچون مردان.....	۲۰۱
۲۰۴.....	«باکره‌های قسم‌خورده» روستایی.....	۲۰۴
۲۰۴.....	«لیول».....	۲۰۴
۲۱۱.....	دیلور.....	۲۱۱
۲۱۵.....	«پاشکه».....	۲۱۵
۲۱۷.....	«شکورتان».....	۲۱۷
۲۲۲.....	«هاکی».....	۲۲۲
۲۲۴.....	رَقدم.....	۲۲۴
۲۲۶.....	«سلمان».....	۲۲۶
۲۲۸.....	«سو کول».....	۲۲۸
۲۲۸.....	«درن».....	۲۲۸

- ۲۲۸..... «باکره‌های قسم‌خورده» شهری
- ۲۲۹..... «سانی»
- ۲۳۱..... «مدی»
- ۲۳۲..... «هچدر»
- ۲۳۳..... «زما»
- ۲۳۴..... «لیلجانا»
- ۲۳۴..... «لیندیتا»
- ۲۳۵..... «آنجلینا»
- ۲۳۶..... عوامل مشترک
- ۲۴۳..... فصل ششم - لباس به‌مثابه‌ی نماد جنسیت
- ۲۴۳..... تعریف و طبقه‌بندی لباس‌ها
- ۲۴۵..... انگاره و هویت
- ۲۴۶..... مد و کارکرد لباس
- ۲۴۸..... پوشش محلی اهالی آلبانیا
- ۲۵۰..... پیش‌بندها و حجاب: لباس زنان آلبانی
- ۲۵۶..... شلووارها و عرقچین‌ها: پوشاک سنتی مردانه
- ۲۵۹..... کودکان و لباس
- ۲۶۰..... پوشیدن لباس جنس مخالف در بالکان
- ۲۶۷..... فصل هفتم - اعلان جنسیت مردانه: مردان و «باکره‌های قسم‌خورده»
- ۲۶۷..... زنان پوشنده‌ی لباس‌های مردانه
- ۲۷۲..... افراد تغییردهنده‌ی جنسیت و پوشندگان لباس جنس مخالف در فرهنگ‌های دیگر
- ۲۷۹..... یک جنسیت سوم
- ۲۹۱..... فصل هشتم - جهان در حال تحول
- ۲۹۱..... چالش پیش‌رو
- ۲۹۱..... تأثیرات و دورنماهای بیرونی
- ۲۹۴..... کوزوو
- ۲۹۷..... سرانجام «باکره‌های قسم‌خورده» چه خواهد شد؟

ضمائم.....	۳۰۳	۲
ضمیمه ۱.....	۳۰۳	۲
«کنون».....	۳۰۳	۲
ضمیمه ۲.....	۳۱۱	۲
انتقام‌جویی و خون‌ریزی.....	۳۱۱	۲
انتقام‌جویی در ادبیات و فیلم.....	۳۲۲	۲
ضمیمه ۳.....	۳۲۶	۲
«تاریخچه کوتاهی از جنبش زنان در آلبانی».....	۳۲۶	۲
نمایه.....	۳۴۹	۲
منابعی در همین ارتباط.....	۳۵۷	۱



## فهرست عکس‌ها

- نقشه کشور آلبانی ..... ۳۰
- تصویر ۱- در اینجا ما با یکی از باکره‌های آلبانیایی برخورد کردیم که لباس مردانه پوشیده بود. هنگامی که ما برای آب‌دادن به اسبان توقف کرده بودیم او در آنجا ظاهر شد. زنی چهل‌وهفت‌ساله با اندامی لاغر و باریک، فعال، با لباس‌های کهنه و مندرس بود. .... ۸۵
- تصویر ۲- شکدر در حال بیل‌زدن. روستای خارج از باجرام‌گوری ۱۹۹۴- A. Y. 1994 ..... ۸۶
- تصویر ۳- «پاشکه» با یکی از اقوام در حیاط منزلی که مراسم عروسی در آن برگزار شده است دیده می‌شود. به تضاد لباس مردانه و ظاهر «پاشکه» (بدون در نظر گرفتن هیکل کوچک او) و زنی که فامیل اوست و دامن بلندی با پیش‌بندی روی آن و نیز جوراب کوتاه سفیدی که پوشیده است، توجه کنید. .... ۱۰۱
- تصویر ۴- راهنمای مسافری: من به سابری گفتم «فقط از این پسر نام او را بپرسید». او تکرار کرد «پسر؟». «چرا؟ او که یک دختر است» Bernard Newman: c. 1935 ..... ۱۰۴
- تصویر ۵- «پاشکه» در یک عروسی با لباس شیک مردانه شرکت کرده است. Ay: Okolo, 1993. A عکس دیگری مشابه این عکس از «پاشکه» در مجله نشنال‌ژئوگرافیک ماه فوریه سال ۱۹۹۹ به چاپ رسیده است. .... ۱۰۷
- تصویر ۶- رئیس خانوار همراه با یک خانوادهٔ پدرسالار چند نسلی که همگی در یک خانه زندگی می‌کنند. یک تازه‌عروس (که همسر او در عکس حضور ندارد، در انتهای سمت چپ ایستاده است و لباس شیکی به خاطر مهمان (عکاس) پوشیده است. .... ۱۱۷
- تصویر ۷- «تعداد نفرات یک خانوار پرجمعیت می‌تواند تا بیست‌وپنج نفر برسد، تعداد نسبتاً مناسبی است؛ اما تنها بازتاب کم‌رنگی از شکوه و جلال گذشته را دارد. در سراسر شمال آلبانی رسم بر این بوده است که برادران، فرزندان خاله، فرزندان عمه، فرزندان دایی و فرزندان عمو و

حتی فامیل‌های دورتر همراه با زن و فرزندان خود و احتمالاً تعدادی از عموها، دایی‌ها، خاله‌ها و عمه‌های مسن‌تر و خواهران جوان همگی زیر یک سقف زندگی کنند. در نتیجه خانه‌های بسیار پرجمعیتی تشکیل می‌شد؛ برای مثال، حدود سال ۱۹۰۰ در «پرلات» تعداد ۶۴ نفر در خانه «گزون ماواژ» زندگی می‌کردند، در سال ۱۹۲۳ در «زدرائشه» تعداد ۹۵ نفر در خانه «ایسوف ایساکو» و اخیراً هم در «شال» تعداد هفتاد نفر در خانه «لوشان سدريج» زندگی می‌کنند. « ..... ۱۱۸

تصویر ۸ - «نه از روی ظاهریک زن؛ بلکه از رفتارش باید درباره او قضاوت کرد.» (ضرب‌المثل آلبانیایی) ..... ۱۲۵

تصویر ۹- «بکتاشی شه» و عروس بسیار جوان او (داماد تأکید داشت که حتماً گل‌های رز را در دست بگیرند.) «آن کریستین ایک (سمفوتو، نروژ) در گشتی خارج از کوکس، ۱۹۹۴» ۱۲۹

تصویر ۱۰ - برای یک زن امری عادی است که به‌طور هم‌زمان دو الی سه کار و یا حتی بیشتر را انجام دهد. این زن که آب برداشته، درحالی‌که ظرف آب را به منزل می‌برد، پشم هم می‌ریسد. (AY: Boga, 1993) ..... ۱۳۲

تصویر ۱۱- عروس در حضور زنان خانواده داماد است که آمده‌اند او را به خانه جدید خود ببرند. برای داماد و مردان هر دو خانواده در خانه دیگری مهمانی برپا شده است. ..... ۱۳۳

تصویر ۱۲- عروس در جشن عروسی. عروس ممکن است بسیار عصبی باشد؛ زیرا همسر خود را قبل از روز عروسی ملاقات نکرده و با خانواده‌ای که هیچ‌گونه آشنایی با آنها ندارد، در انتظار زندگی جدیدی است (Ay: Okolo, 1993). ..... ۱۳۴

تصویر ۱۳- معمولاً هنگامی که عروس را از خانه پدری می‌برند قیافه گریانی به‌خود می‌گیرد و اشک نمایشی هم می‌ریزد، چون خانه‌ای که در آن متولد شده است را ترک می‌گوید. (AY: outside Shkoder, 1994) ..... ۱۳۵

تصویر ۱۴- زنان در حال انجام کار در کنار منبع آب مشترک دهکده‌اند که همواره شلوغ است؛ ولی هیچ‌گاه ازدحام ایجاد نمی‌شود. در تمام مدت روز همیشه در آنجا ردیفی از زنان و

- کودکان در حال جمع کردن آب پاک کوهستان، شست‌وشو و آب‌دادن به حیوانات هستند. همان گونه که «کمپ بل» (۱۹۶۴) در کتاب شرافت، خانواده و ریاست نوشته است: «مردان هرگز بر پشتشان، بار حمل نمی‌کنند. هرچه هم که زن یا دختر او بدحال باشد، مرد هرگز به آن‌ها کمک نمی‌کند تا دبه‌های سنگین آب را حمل کنند». به تضاد میان لباس‌های سنتی و مدرن‌تر و دبه‌های پلاستیکی و چوبی آب توجه کنید. تمام زنان چه در پوشش سنتی یا مدرن، دامن می‌پوشند (AY: Boga, 1993)..... ۱۴۴
- تصویر ۱۵- بشکه‌های چوبی، آب را خنک‌تر از دبه‌های پلاستیکی نگه می‌دارد. بعضی از زنان مجبور هستند دبه‌های آب مصرفی خانواده را کیلومترها حمل کنند. (AY: Boga, 1993) .. ۱۴۵
- تصویر ۱۶- «پاشکه» (صفحه ۷۷ را ملاحظه کنید) نویسنده را تا محدوده روستا بدرقه کرده است (در حد مسئولیت او به عنوان سرپرست خانوار) (AY: Okolo, 1993)..... ۱۶۱
- تصویر ۱۷- خانواده‌ای که باید «با خون تاوان بدهد»: تهدید دائمی پسران خانوار به مرگ و احساس شرمندگی دختران مانع از رفتن آن‌ها به مدرسه شده است. در این مورد خاص، سرپرست خانوار (نفر آخر سمت راست) از تهدید به مرگ مصون شده است (AY: outside Bajram Curri, 1995)..... ۱۶۹
- تصویر ۱۸- «پاشکه» در حال برداشت غلات (AY: Okolo, 1994)..... ۲۰۲
- تصویر ۱۹- «لیول» (با عینک تیره) یک خانواده ده‌نفره را سرپرستی می‌کند. زنی که نزدیک وی و در سمت راست ایستاده، خواهر اوست (در سال ۱۹۹۷ فوت کرد). (AY: Velipoje, 1994) ۲۰۸
- تصویر ۲۰- «لیول» (در سمت راست)، در حال معاشرت: با وسایل ساده‌ای چون ساعت مچی مردانه و عینک آفتابی‌اش (که هرگز زنان روستایی از آن استفاده نمی‌کنند). (AY: VeliPoje, 1994) ... ۲۰۹
- تصویر ۲۱- «لیول» در حال تعمیر وسیله‌ای با دستگاه جوش است. (AY: Veli poje 1994) ۲۱۰
- تصویر ۲۲- دیلور (در سال ۱۹۹۶ فوت کرد). روستایی خارج شکودر، ۱۹۹۴..... ۲۱۲
- تصویر ۲۳- «پاشکه» با دایی‌هایش (AY: OKOLO, 1993)..... ۲۱۶

تصویر ۲۴- «شکورتان» سیگاراش را می‌پیچد. (روستایی خارج از باجرام‌کوری ۱۹۹۴)..... ۲۱۸	ستند. ردان ز به و رن، ۱۴۴
تصویر ۲۵- «شکورتان» با زن برادرش (در تصویر). «بوت» می‌گوید: «برای او متأسفم، این یک تصمیم خانوادگی بود و اینکه ضرورت دیده شد که یک زن سرپرستی او و خانه را بر عهده بگیرد» (پس از اینکه مادر «شکورتان» درگذشت). (روستایی خارج از باجرام‌کوری ۱۹۹۴)..... ۲۱۹	نان ۱۴۱
تصویر ۲۶- «شکورتان» و هاکی هنگام برداشت ذرت به همسایگان کمک می‌کنند. به لباس‌های کاملاً متفاوت دو زن در وسط تصویر توجه کنید، دو «باکرهٔ قسم‌خورده» در دو طرف و یک مرد (روستایی خارج از باجرام‌کوری ۱۹۹۴)..... ۲۲۰	رده ۱۶ و ۵ A3 ۱۶ ۲۰ و ۲۰ انه ۲
تصویر ۲۷- «هاکی» با تنها گاویش (روستایی در باجرام‌کوری ۱۹۹۴)..... ۲۲۳	
تصویر ۲۸- «سانی» با وانت‌باری که در دوران حاکمیت کمونیست‌ها و پس از کمونیست‌ها با آن رانندگی می‌کرده است. (روستایی خارج از باجرام‌کوری ۱۹۹۴)..... ۲۳۰	
تصویر ۲۹- عروس روستا. لباس عروسی مجلسش تشکیل شده است از یک روسری پشمی قرمز، یک پیراهن گشاد نخ سفید که آستین‌های بلندش با گل‌های گلدوزی‌شده زرد و قرمز تزیین شده است؛ یقه پهنش نیز آذین شده است. دامن سفید پلیسه‌دارش از نخ آلبانیایی درست شده و در زیر آن شلوار پشمی پوشیده که با کشی محکم شده است. این عروس به دور کمرش، یک کمربند نخ پهن زرد و مشکی با منگوله‌های بلند قرمز، زرد، سفید و آبی دارد. او دو جلیقه به تن کرده است، یکی از آن‌ها که کاملاً به تن چسبیده، از ابریشم آبی و قرمز رنگ با لبه‌های طلایی درست شده و بر روی آن، یک جلیقهٔ پشمی مشکی رنگ که رها و آویزان است قرار دارد. در دستان پوشیده شده با دستکش توری‌اش، یک دستمال گلدوزی‌شده نخ است؛ کفش‌هایش ساده، مشکی و پاشنه کوتاه است. (آن کریستین ایک (سامفوتو، نروژ) خارج کوکس، ۱۹۹۴)..... ۲۵۵	
تصویر ۳۰- «سوکول» با «عرق‌چین» به همراه برادرزاده‌اش (روستایی خارج از باجرام‌کوری ۱۹۹۴)..... ۲۵۷	۲ ۲
تصویر ۳۱- مردی در لباس زنانهٔ کاتولیک‌ها (اوایل قرن بیستم). عکس از آرشیو استودیوی	۲

مورابی، همچنین شکودر؛ در کلکسیون عکس‌های مورابی اسماعیل کدر (کدر ۱۹۹۵)..... ۲۶۱

تصویر ۳۲ - هاجر، یک خانواده هفت‌نفری را در یک آپارتمان دوخوابه پاک و تمیز در داخل یک بلوک استیجاری در حال ریزش سرپرستی می‌کند. (نیک کورنیش: باجرام کوری، ۱۹۹۵) ۲۸۵

تصویر ۳۳ - «کولا» خانه سنگی برج‌مانندی است که برای دفاع و عقب‌نشینی استفاده می‌شود و پنجره‌های آن به اندازه‌ای است که فقط می‌توان از آن تیراندازی کرد. این خانه سستی خانواده‌هایی است که با یکدیگر دشمن و در حال انتقام‌جویی هستند و مردان خانواده از ترس اینکه به آن‌ها تیراندازی شود خانه را ترک نمی‌کنند. بعضی از مردان سال‌ها در این حالت مانند یک تبعیدی زندگی می‌کنند و حتی قادر نیستند برای نگهداری محصول و گله خود از خانه خارج شوند. (خارج باجرام کوری، ۱۹۹۵)..... ۳۱۶

تصویر ۳۴ - «رابا» در حال آسیاب کردن قهوه؛ تنها همسایگان و خانواده از هویت واقعی‌اش باخبرند. (لالا مردیت- وولا کوسوو، ۱۹۹۵)..... ۳۳۰

## مقدمه‌ای دربارهٔ نسخهٔ فارسی کتاب زنانی که مرد می‌شوند (باکره‌های قسم‌خورده آلبانیایی)

آنتونیا یانگ

آداب‌ورسوم روستایی در سراسر جهان تشابهات قابل‌توجهی با یکدیگر دارند، به‌ویژه در جوامع پدرسالاری. من خیلی خوشوقتم که در کنفرانسی در مغولستان این فرصت به دست آمد تا بتوانم از طریق خانم دکتر منیژه مقصودی و هم‌تای مشترکمان آقای دکتر آندره پیرونی، گیاه‌قوم‌شناس، اطلاعات بین این دو جامعه از هم‌دورافتاده را با یکدیگر مبادله کنیم. گو اینکه ادعا شده که شاید آلبانیایی‌ها از نقاط دورتری حتی ایران کنونی به آنجا مهاجرت کرده باشند. پیرو مکاتبات و تماس‌های گسترده از طریق ایمیل بین خانم دکتر منیژه مقصودی و اینجانب و بازدید ایشان از دانشگاه برادفورد و کلاس‌ها و سمینارهایی که برای ایشان در مورد اقوام ترکمن در ترکمن صحرا، به‌ویژه «قوانین عرفی خانواده» و «زنان درمانگر بومی» برگزار شد. در این بحث‌ها ما به سؤالات بی‌جواب بسیار زیادی در مورد باکره‌های قسم‌خورده آلبانیایی برخورد کردیم. این‌گونه سؤالات قطعاً به بحث‌ها و تحقیقات بیشتری منجر خواهد شد.

از زمان انتشار این کتاب در سال ۲۰۰۱ تغییرات بسیار زیادی در حال از بین بردن زندگی سنتی در آلبانی است. حکومت کمونیستی شدید و محدود طی پنجاه سال در اروپا، جمعیت این کشورها را درون مرزهای خود حفظ کرده بود. علی‌رغم اینکه در این رژیم زنان مجبور به کار در خارج از منزل و معمولاً پایه‌پای مردان بودند، زندگی سنتی در مناطق روستایی ادامه داشت. هرگونه دینی به مدت ۲۳ سال ممنوع شده بود که با فروپاشی کمونیسم در سال ۱۹۹۱ به پایان رسید و با اینکه انجام فرایض دینی تقریباً از بین رفته بود، با این همه موارد بسیار زیادی از انجام فرایض دینی در خلوت و خصوصی ادامه داشت.

البته پدیده باکره‌های قسم‌خورده (که در این کتاب تعریف شده است) خیلی کم تحت تأثیر دین قرار گرفته است. ضمن اینکه چه دینی داشتند، اهمیت چندانی ندارد. تعهد به انجام این رسم، برگشت‌ناپذیر است و باکره‌های قسم‌خورده برای تمام عمر باید پایبند به آن باشند؛ البته تحقیقات نشان می‌دهد که مراسم این سنت که باید در حضور دوازده نفر از سال‌مندان مرد جامعه انجام می‌شد، در حال حاضر انجام نمی‌شود. با این همه اهمیت، کسانی که می‌خواهند این سنت را انجام دهند، تمام عمر باکره می‌مانند.

از زمانی که این کتاب را به چاپ رساندم، سعی کرده‌ام با کسانی که درباره آن‌ها در این کتاب نوشته‌ام، در تماس باشم و در ضمن، در مورد دیگران نیز اطلاعات کسب کنم. سه نفر از کسانی که با آن‌ها مصاحبه کرده بودم در این چند سال فوت کرده‌اند (دی‌لور در سال ۱۹۹۶ و پشکه در سال ۲۰۰۶). مقاله‌های زیادی در نشریات متعدد منتشر شده و فیلم‌های بسیاری در مورد آن‌ها و سایر زنان برجسته ساخته شده و همچنین رساله‌های علمی در مورد آن‌ها نوشته شده است.

همان‌گونه که در کتاب من پیش‌بینی شده بود، به نظر می‌رسد که این پدیده‌ای است که با قاطعیت ادامه یابد. سیستم مردسالاری شمال آلبانی هنوز خواهان این است که یک مرد سرپرستی خانوار را بر عهده داشته باشد؛ البته هنوز هم شنیده می‌شود که یک زن (به احتمال زیاد یک بیوه‌زن)

سرپرستی خانوار را هنگامی که پسری در خانه ندارد، عهده‌دار می‌شود. در حال حاضر زندگی در تیرانا خیلی از زندگی در روستاها فاصله گرفته است. اکنون دیدن زنان جوان (که معمولاً به صورت گروهی هستند) بدون محافظین سنتی تقریباً عادی شده است. مواردی نیز وجود دارد که زوج‌های جوان قبل از ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کنند (البته معمولاً با این روابط نزدیک در فاصله کوتاهی با یکدیگر ازدواج می‌کنند و اگر ازدواج نکنند زنی که چنین رابطه‌ای را داشته است، زوج مناسبی برای هیچ مرد دیگری نخواهد بود). چنین رفتاری اگر وجود داشته باشد، در سایر شهرهای آلبانی بسیار نادر و در روستاها هم ناممکن است.

با اینکه هم‌جنس‌گرایی بین مردان وجود دارد؛ ولی عمیقاً از سوی اکثریت جامعه نکوهش می‌شود و وجود هم‌جنس‌گرایی میان زنان بی‌اندازه غیرطبیعی به نظر می‌رسد. در این جامعه تعداد بسیار کمی از زنان به‌تنهایی زندگی می‌کنند؛ اما سنت باکره‌های قسم‌خورده راهی را برای زنان گشوده است که بتوانند مستقل و جدا از خانواده زندگی کنند. آن‌ها به‌عنوان نمونه می‌توانند زنان دیگر را تشویق کنند که زندگی به سبک مردانه را برای خود انتخاب کنند. نکته قابل‌توجه این است که در جهان غرب تمایل زیادی نسبت به هم‌جنس‌گرایی وجود دارد و حتی در مواردی آن را تشویق می‌کنند، در حالی که در سایر نقاط جهان تنفر نسبت به آن در حال افزایش است.

من فهرستی از منابع، تعداد زیادی از مقالات، بررسی‌های انجام‌شده و فیلم‌های ساخته‌شده پس از انتشار این کتاب را تهیه خواهم کرد که شامل تعداد زیادی از مقالات به‌روزشده خودم نیز است؛ البته همه این‌ها مستقیماً درباره «باکره‌های قسم‌خورده» بحث نمی‌کنند؛ ولی به‌هرحال از طریقی به این موضوع مربوط می‌شوند. در زیر فهرستی از این منابع را ضمیمه کرده‌ام.

آنتونیا یانگ، پاییز ۲۰۱۰

حال  
طی  
بود.  
مولاً  
دینی  
پایان  
سیار  
ت)  
سیت  
های  
دهد  
معه  
که  
باره  
نیز  
این  
(  
رد  
رد  
بن  
نی  
ته  
ن)



## BIBLIOGRAPHY

- Backer, Berit, *Behind Stone Walls: Changing Household Organizations Among the Kosovar Albanians*, Dukagjini Balkan Books., Peja, 2003
- Bartlett, Nancy H. and vasey, Paul L., 2006. "A Retrospective Study of Childhood Gender-Atypical Behavior in Samoan Fa'afafine for conference of International Academy of Sex Research, Amsterdam 12-15 July
- Bartlett, Nancy H., vasey, Paul L., and Bukowski, William M., 2000, "Is Gender Identity Disorder In Children a Mental Disorder?" in *sex rules*, vol. 43, Nos. 11-12, PP.753-85.
- Bert, Agnes, *Tu sera un Homme, ma Fille*, documentary film, France, 2004
- Bilefsky, Dan, 2008, "Old Custom Fades in Albania: Woman as Man of the Family", *New York Times*, 25<sup>th</sup> June
- Dankwa, Serena, 2008, "The one who first says: 'I Love You'" -Gendered Woman Friendships in Postcolonial Ghana, *International Female Masculinities Symposium*, Amsterdam.
- Dones, Elvira, *Sworn Virgins*, documentary film, 2006, RTSI Swiss Television.
- Doja, Albert, 2005, "Dreaming of fecundity in village society" ,in *Folklore*, vol. no.
- De Wall, Clarissa. 2005. *Albania Today: A portrait of Post-Communist Turbulence*. London: I.B.Tauris/The Center for Albanian Studies .
- Goldenberg, Suzanne, 11 Oct. 2003. 'Crime puts Iraqi woman under house arrest', *The Guardian*
- Michaelski, Karin, 2000, video *Pashke and Sofia, Woman Make Movies*, Inc. NY
- Murzaku, Ines A. and Dervishim Zyhdi, 2003, 'Albanians' First Post-communist Decade: values in transition: traditional or liberal?'. *East European Quarterly*, XXXVII, no. 2m pp. 231-56.
- Murzaku, Ines A Deravishi, Zyhdi, 2002, 'Values in Transition: the divorce dilemma among Albanian woman'. *Analysis of Current Events*, vol. 14, no. 2, pp. 8-11.
- Pieroni, Andrea, forthcoming, "People And plants in Lepushe: Traditional Medicine, Local Foods and Post-Communism in a Northen Albanian

- Village” in Pardo de Santayana, M., Pieroni, A and Puri, R. (eds.), *People Health and Minor Plant Resource Pools*, Berghahn Press, Oxford. BII
- Quin, David, compiler, Sept-Oct. 2003m “Trading in Misery” , IWPR report, republished in *Illyria 1279-1282*. -
  - Schwander-Seivers, Stephanie, “Albanians, Albanianism and the Strategic Subversion of stereotypes” , in Hammond, Andrew, ed., *The Balkans and the west: Constructing the European Other, 1945-2003*, Ashgate, Aldergate, Hampshire, 2004: -
  - Smith, Nicola, “Sworn virgins’ dying out as Albanian girls reject manly role” , *Sunday Times*, 6<sup>th</sup> January, 2008 -
  - Vince-Pallua, Jelka, “Amazonke iz istre: na Tragu Istarskih, u Musko preobucenih zena” (‘Amazon’ Woman Frome Istria: a study of Istrian Woman Who Dressed like Men), *Studia Ethnologica Croatia*, vol. 10-11, 1998-99 -
  - Young, Antonia, with Jenna Rice, “De-centring Albanian Patriarchy? Sworn Virgins and the Re-negotiation o Gender Norms in the Post-Comunist Era”, in, Tirana, forthcoming -
  - “Gender as a Category for Analysis of Conflict” in *Berg Encyclopaedia of World Dress and Fashion: Europe*, Berg Publishers, Oxford, and New York. forthcoming -
  - ‘Men’ of Honour: Albanian Sworn Virgins. Paper for Female Masculinities Conference. Amsterdam, September 2008 -
  - With Twigg, Larenda, ‘Sworn virgins’ as Enhancers of Albanian Patriarchal Society in Contrast to Emerging Roles for Albanian Woman” in *Studia Ethnologica Croatica*, Zagreb, forthcoming -

## مقدمه چاپ دوم: آنتونیا یونگ

### چهره در حال تغییر تیرانا

طی سال‌های زیادی (اغلب اوقات به آلبانی سفر می‌کردم، تقریباً سالی یک بار از سال ۱۹۸۹ تا کنون) تغییرات فراوانی را مشاهده کرده‌ام، به‌ویژه در میدان اسکندریه. در اولین سفر، مجسمه بسیار بزرگ انور هوکسا در مرکز میدان قرار گرفته بود و تقریباً بر هر مجسمه قدیمی اسکندریه که سوار بر اسب بود، برتری داشت (۱۹۶۸). در سال ۱۹۸۹، فقط یک مجموعه چراغ راهنمایی را دیدم. تردد بیشتر از تعداد کمی اتوبوس، کامیون و گاهی اوقات هم یک ماشین سیاه که دیپلمات‌ها یا مأمورین دولتی سوار آن بودند، تشکیل می‌شد. به یاد می‌آورم که خانواده‌ای سه‌نفری را دیدم که سوار دوچرخه بودند.

اولین تغییرات اصلی در فوریه ۱۹۹۱ با سرنگون‌سازی مجسمه هوکسا آغاز شد. پس از مدت کوتاهی، فضای مقابل مجسمه که مختص جمعیتی بود که احتمالاً او را می‌ستودند، به یک پارک کودکان با ماشین‌های اسباب‌بازی مخصوص کودکان تبدیل شد. در اوایل دهه ۱۹۹۰، از چوپانی عکس گرفتم که گوسفند خود را برای آشامیدن آب به فواره مرکزی آنجا

آورده بود. بعدها، بیشتر این میدان از علف پوشیده شد و ترافیک سنگینی اطراف آن در حرکت بود. در سال‌های گذشته، بخش مرکزی آن غیرقابل دسترس و برای آماده‌سازی آنچه که اکنون نمایان شده است، کاملاً بسته شده بود و این محوطه بسیار بزرگ با هزینه‌ای معادل پانزده میلیون یورو، سنگ‌فرش شده است. به من گفته شده است که این سنگ‌ها از تمام نقاط آلبانی هستند. مدت‌ها پیش از آن که این کار به پایان برسد، یک ساختمان بلندمرتبه اداری در آنجا ساخته شد که بر مسجد اتم‌بی (Et'hem Bey Mosque) که در قرن هجده ساخته شده، سایه افکنده است. در حال حاضر ساختمان‌های بلندمرتبه زیادی در نزدیکی این میدان قرار دارند. فضای مقعرشکل وسیعی که اکنون برای عابرین پیاده در نظر گرفته شده است، ظاهراً امکان ساخت یک پارکینگ زیرزمینی را فراهم آورده است. جاده‌هایی که این میدان را احاطه کرده بودند، همگی به یک سمت سوق داده شده‌اند. ترافیک موجب می‌شود که رانندگان فاصله زیادی را دور بزنند و سیستم جاده یک‌طرفه هم موجب شده است که مسافرین کیلومترها راه را اضافه طی کنند.

بخشی از این طرح جدید، امکان ساخت دو مجموعه فواره را داده است که بسیار زیبا از میان این سنگ‌فرش‌ها فوران می‌زنند، به طوری که کودکان در تابستان می‌توانند در آنجا بدون بدوند؛ بدون مواجهه با مسائلی چون زباله، آب راکد و ... که در استخرهای سنتی که با فواره پر می‌شوند، وجود دارند. نهال‌های جدیدی در حاشیه میدان جدید کاشته شده‌اند و اطراف آن‌ها با تپه‌های سبز پوشیده شده است (آیا این‌ها گل‌های وحشی هستند؟). درحقیقت، به‌ندرت گلی در این فضای سبز وجود دارد و مانند علف‌زار به نظر می‌رسد. در میان آن‌ها صندلی‌های جدید آهنی به رنگ سبز روشن (کم‌رنگ) قرار دارند (معلوم نیست چه مدتی طول خواهد کشید تا محو شوند؟) اما شاید آن‌ها به نحوی ساخته شده‌اند که راحت نباشند و نصب میله‌های آهنی محکمی مانع از راحتی صندلی‌ها است و دلیل نصب آن شاید این است که اطمینان حاصل شود که هیچ فردی مدت طولانی روی

این صندلی‌ها نخواهد نشست؛ گو اینکه مردم این مشکل را با گذاشتن مقوا روی میله‌های صندلی حل کرده‌اند.

موارد دیگری که به این میدان اضافه شده‌اند، منابع آبی زیادی است که روی زمین قرار گرفته‌اند و آب تا حاشیه‌های میدان جریان دارد، که اکثراً افراد پیاده به جای اینکه در صف بایستند، وادار به راه رفتن می‌شود و در غیر این صورت کفش‌های آن‌ها خیس خواهند شد. بخشی از میدان اسکندر بیگ که مقدار زیادی وسعت یافته، موجب شده است تا به ساختمان‌های مهمی که اطراف آن قرار دارند توجه بیشتری شود؛ ساختمان‌هایی چون مسجد، برج ساعت و وزارت‌خانه‌هایی که ایتالیایی‌ها اوایل قرن بیستم ساختند و حتی ساختمان‌های جدید کمونیستی، موزه ملی (که ستاره سرخ آن اخیراً از روی موزاییک بالای در ورودی آن برداشته شده و نشان‌دهنده پیروزی مردم آلبانی و پایان یافتن مبارزات آن‌ها طی تاریخ است)، تالار اپرا (که اکنون در حال بازسازی داخلی است) و حتی کتاب‌فروشی بین‌المللی آدریان که همگی پس از بازگشایی اخیر این میدان مورد توجه بیشتری قرار گرفته‌اند.

در سال ۲۰۱۵، در کنفرانسی در تیرانا شرکت کردم که موضوع آن بحث در مورد حفظ زندان بدنام اسپاک بود. با اینکه به نظر می‌رسید تأمین بودجه مالی مانع اصلی انجام آن است، این تفکر توجه مرا به تغییرات کلی در مرام کمونیستی سابق آلبانی جلب کرد. تا آن زمان، من انکار کمونیسم را مشاهده کرده بودم، همراه با تلاش‌های فراوان برای تخریب تمام نشانه‌های (آثار) گذشته و به فراموشی سپردن (محوکردن) آن‌ها؛ البته، همان گونه که رایج است، پس از گذشت یک نسل مجوز برای مروری بر گذشته داده می‌شود، تا از تکرار آن جلوگیری شود. لازم است که آن گذشته تاریک را بررسی (مطالعه) کرد (در مورد آلمان، دست‌کم همین مدت زمان طول کشید تا با گذشته نازی خود برخورد کنند) و از سال ۲۰۱۵ تا کنون چنین مواردی در آلبانی بیشتر و بیشتر بوده است.

طرف  
برای  
حوطه  
به من  
آن که  
که بر  
سایه  
میدان  
گرفته  
ست.  
داده  
ند و  
اه را  
ست  
:کان  
آب  
رند.  
با با  
(۴-  
به  
شن  
حو  
ب  
آن  
زی

بازدید از آن رایگان است). هنگامی که اوایل سپتامبر در آلبانی بودم، نمایشگاه هنر قرن نوزدهم (کول ایدرومنو، ۱۸۶۰-۱۹۳۹) و هنر قرن بیستم در آنجا برگزار شده بود. در طبقه اول نقاشی‌های اجتماعی بزرگ و دراماتیکی قرار دارند که تصاویری از نبرد در جنگ جهانی دوم و بعد از آن و صنایع ساختمان‌سازی را نشان می‌دهند. تعدادی از آثار نقاشی ادیسون گیرگو (۱۹۳۹-۱۹۸۹)، نقاش منفی‌باف و بدبین، که رفع ممنوعیت شده‌اند، در آنجا به نمایش گذاشته شده است (او به علت کشیدن نقاشی‌هایی از زندگی کمونیستی زندانی شده بود). خارج (بیرون) از این گالری تأسیسات سفیدرنگ بزرگی وجود دارد که اهدایی ژاپنی است، «پایون ابر» (Cloud Pavilion)، سازه ابرمانندی که سو فوجومیتو، معمار ژاپنی که معروفیت جهانی دارد، طراحی کرده است و سال گذشته نصب شده است. باوجود اینکه معمولاً برای عموم باز است تا در آن گردش کنند یا از آن بالا بروند؛ اما هنگامی که من به آنجا رفتم، یک گروه موسیقی آنجا را برای ضبط آهنگ اشغال کرده بودند.

آنتونیا یانگ اکتبر ۲۰۱۸

### مقدمه چاپ دوم: منیژه مقصودی

چند سالی از چاپ اول این کتاب که توسط انتشارات جامعه‌شناسان انجام شد، می‌گذرد؛ ولی موضوع همچنان جذاب است و جای بحث و گفت‌وگو باقی است. از این رو برای چاپ دوم این کتاب اقدام کردیم. این کتاب را انسان‌شناس انگلیسی به نام آنتونیا یونگ در اوائل قرن بیست‌ویکم به صورت تحقیق میدانی در روستاهای آلبانیا تهیه کرده است؛ بنابراین در مورد نوبودن این پدیده جای شکی باقی نیست. پدیده‌ای که هنوز در کشور آلبانیا وجود دارد، گو اینکه هرچه که این کشور به سمت مدرن‌شدن پیش می‌رود، از شدت الگوهای سنتی کاسته می‌شود و نیز به تدریجی که سطح آموزش افزایش می‌یابد و اشتغال در حوزه زنان افزایش می‌یابد، الگوهای سنتی در حوزه خانواده و خویشاوندی و الگوهای مربوط به ازدواج‌های اجباری و نیز قانون توارث کاسته می‌شود. با این حال، شگفت‌زده می‌شویم، هرگاه می‌خوانیم و یا می‌شنویم که در قلب اروپا در کنار کشورهایمانند ایتالیا هنوز قوانینی وجود دارد که اگر ندانیم در کجاست، هرگز نمی‌توانیم تصور کنیم که در اروپا چنین قانون عرفی همچنان در بافت سنتی آن وجود

ساختمان جدید دیگری که در نزدیکی این میدان قرار دارد، کلیسای عظیم ارتدکس با درهای بزرگ طلایی است که اطراف آن نرده‌کشی شده است. این کلیسا روبروی یک ساختمان قدیمی قرار گرفته است، که دکتر جانی باشا اولین بیمارستان زنان و زایمان را در سال ۱۹۳۱ در دوران حکومت زوگ در آنجا ساخت. این ساختمان در سال ۱۹۴۴ به ستاد مرکزی گشتاپوی آلمان تبدیل شد و در دوره حکومت هوکسا (Hoxha) این ساختمان تبدیل به مرکز بازجویی سیگورومی (Sigurimi) شد. با فروپاشی کمونیسم، این ساختمان دهه‌های زیادی بسته بود تا اینکه اخیراً تحت‌عنوان «خانه برگ‌ها» بازگشایی شده است، به‌عنوان موزه‌ای که به افرادی تخصیص دارد که در آنجا رنج کشیده‌اند (شکنجه شده‌اند)، بیشتر وسایل اصلی همراه با پرونده‌ها و یادداشت‌های توضیحی در جای خود قرار دارند. نمودارهایی وجود دارند که دقیقاً نشان می‌دهند چه کسی در تمام این عملیات سرکوب‌گرانه شرکت داشته است که شامل رده‌بندی خیرسان‌ها به مقامات دولتی است و همچنین نمایش فیلم بسیار پرطرفداری است که در دهه ۱۹۷۰ ساخته شده و از شجاعت افرادی که برای کمونیسم جنگیده‌اند، قدردانی کرده است.

این موزه موردتوجه زیاد پژوهشگرانی قرار دارد که درباره این دوره تاریخ آلبانی تحقیق می‌کنند و شامل مصاحبه‌های زیادی با افرادی است که به نحوی در این مرکز بازجویی فعالیت داشته‌اند و پژوهش درباره آن به یافتن موضوعاتی منجر خواهد شد که هنوز هم باید رونمایی شوند. در مورد روش (روند) کار موزه بحث‌هایی وجود دارد؛ عده‌ای می‌خواهند مطمئن شوند که آنچه که به نمایش گذاشته می‌شود، هیچ‌گونه دست‌کاری نشده باشد و عده‌ای ترجیح می‌دهند در مورد انبوه «گوشی‌های» قرمز رنگ ساختگی در ورودی موزه، یا انبوه سیم‌های قلابی ضبط که برای تأکید بر میزان استفاده از این نوع ابزار شوند در گذشته است، نوعی ابتکار عمل (خلاقیت) به کار برده شود.

دو موزه «هنر پناهگاه‌سازی» (Bunk'Art) نیز از ساختمان‌های بسیار جدید در تیرانا هستند. یکی از این دو موزه پشت مسجد میدان اسکندربیک قرار دارد که به‌عنوان نمونه بزرگ یک پناهگاه ساخته شده است (قطعاً اعضای AAA همه‌چیز را درباره پناهگاه‌ها در آلبانی می‌دانند). این پناهگاه جدید عکس تمام افرادی را که تحت رژیم کمونیستی در آلبانی شکنجه یا کشته شده‌اند را عرضه می‌کند و در طبقه زیرین نمایشگاه‌های بیشتری در رابطه با تاریخ پر فرازونشیب آن دوران وجود دارد.

موزه دیگر «هنر پناهگاه‌سازی» (Bunk'Art) در کناره (حاشیه) تیرانا قرار گرفته است که از طریق تونلی مستقیم به کوه داجتی (Dajti) منتهی می‌شود، محلی که دارای مسیرهای پیچیده‌ای (vast warren) است و به بیش از صد اتاق منتهی می‌شوند. درهای بسیار بزرگ و سنگین با قفل‌های بزرگ این مسیرها را قطع می‌کنند. بسیاری از این اتاق‌ها، البته نه همه آن‌ها، به‌عنوان فضای موزه آماده‌سازی می‌شوند؛ با تاریخچه‌های مختصری بیرون هر اتاق، درباره دوره یا ویژگی خاص آن. در میان اتاق‌های دیدنی، ستاد فرماندهی هوکسا و مهمت شهو، که فقط یک بار معاون او بوده است، هستند. اتاق خواب هوکسا و همسرش بی‌اندازه باریک است؛ اما به نظر نمی‌رسد که او هیچگاه آنجا خوابیده باشد. توضیحاتی در مورد اینکه چگونه آن محوطه را بدون اینکه هیچ آثاری از دود یا بخار که از بیرون دیده شود، در زمستان گرم نگه می‌داشتند، داده شده است.

با یک نوشته خوش آمدید: کامپانیل (Campanile)، در کنار مسجد اتم‌بی که اکنون برای بازدیدکنندگان باز است تا نود پله را بالا بروند و از آنجا منظره زیبای تیرانا را از تمام جهات مشاهده کنند. در طبقه همکف کامپانیل اتاقی قرار دارد که در آن نمایشگاه‌های مردم‌شناسی درباره هنر قرن بیستم، صنایع و کارهای دستی چون مصنوعات خانگی سنتی، لباس و پوشاک برگزار می‌شود. چندین قدم دورتر از این میدان، گالری ملی هنر قرار گرفته است (که از ساعت ۹:۰۰ - ۱۳:۰۰ و ۱۷:۰۰ - ۲۰:۰۰ باز است و